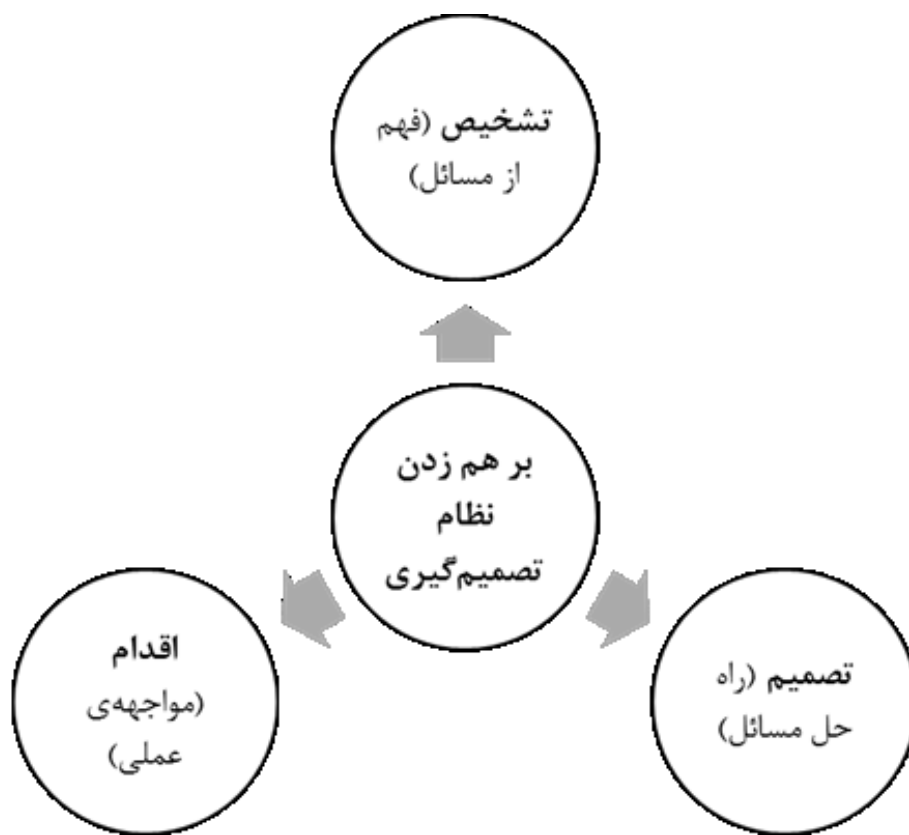


جای ما در مقابله با نفوذ کجاست؟

محمدصادق شهبازی



آماج نفوذ بر نخبگان و مسئولین و شکل دادن و حاکم کردن طبقه‌ای از غرب‌گرایان میان آنهاست. این تلاش برای تغییر محاسبات و تغییر رفتار نه تنها نیروهای غرب‌گرا که حتی نیروهای انقلاب را نیز هدف قرار داده و به نوعی عمل می‌کند که آنها بر معیارهایی مخدوش و مخشوش عمل کنند، بعضی از رفتارها و تصمیمات خارج از چارچوب انقلابی و حتی در مقابل آن از جانب بعضی نخبگان، مسئولین و نهادهای انقلابی در همین چارچوب قابل‌ارزیابی است.

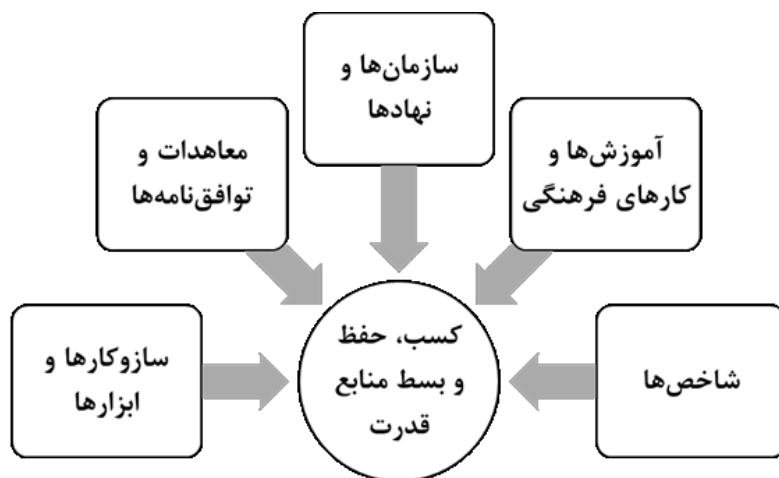
بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره: این متن، ویراستهٔ متن ۷ سخنرانی در موضوع نفوذ در سال ۱۳۹۴ در جمعه ۱۳ شهریور بیست و نهمین نشست اتحادیهٔ جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در حسینیه هنر، جمع بسیجیان و تشکلهای دانشجویی انقلابی دانشگاه صنعتی شهید مجید شریف واقفی (صنعتی شریف) در مرداد، پنج‌شنبه ۹ مهر و ۱۰ آبان، همایش نفوذ ممنوع بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و با حسین (ع) در مصاف دنیازدگان در حسینیهٔ انقلاب شیراز در ظهر و شب چهارشنبه ۱۲ آبان و هم‌چنین همایش استقلال در حصار تردید، دانشگاه در اندیشهٔ آزادی یک ملت، بزرگداشت روز دانشجوی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در دوشنبه ۱۶ آذر در سالن شهید چمران دانشکده فنی است که با تغییراتی منتشر می‌شود.

محور سلطه در استعمار فرانو: تغییر محاسبات مردم و مسئولین

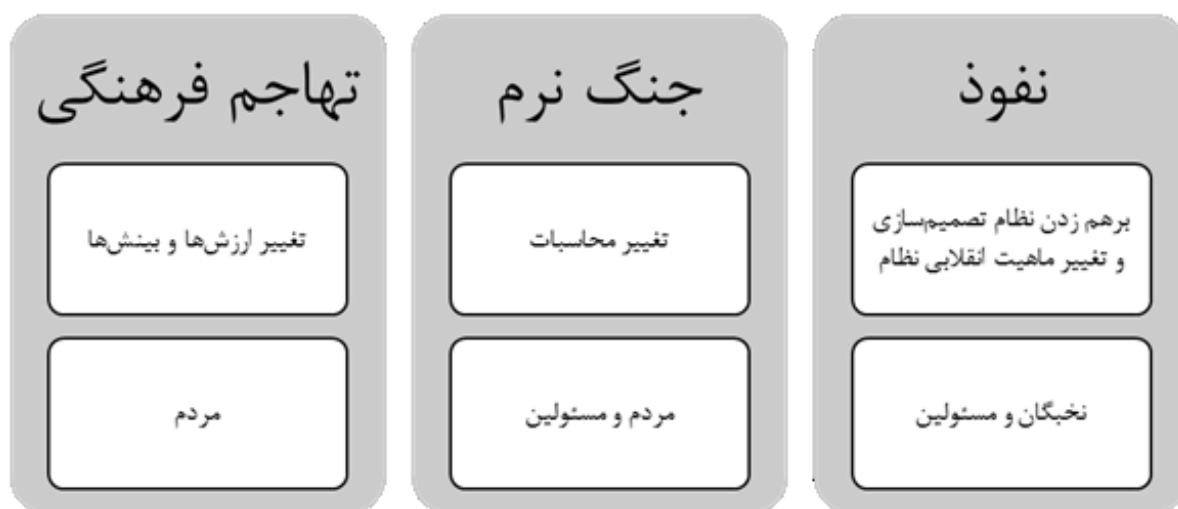
هدف نظام سلطه کسب، حفظ و بسط منابع قدرت است که در دورهٔ استعمار سنتی با اشغال مستقیم، غارت منابع و برده‌گیری بود. در دورهٔ استعمار نو با گماردن حکام دست‌نشانده، تصاحب منابع و به کار گرفتن نیروها برای تأمین منافع خود با دست او، اما استعمار فرانو به دنبال تسخیر مغزها و قلب‌ها و به‌گونه‌ای است که با میل خود منافع سلطه‌گران را تأمین کنند. در این چارچوب

سرمایه‌داران اکثراً صهیونیست و شرکت‌های بزرگ و فراملیتی که در بطن نظام سلطه هستند و در لایهٔ بعد دولت‌های قدرتمند سلطه‌گر از طریق سازوکارها، ابزارها، معاهدات و قوانین، سازمان‌ها، آموزش‌ها و حرکت‌های فرهنگی و شاخص‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مردم، نخبگان و مسئولین کشورها به خواست خود، مطالبات آنان را تأمین کنند.

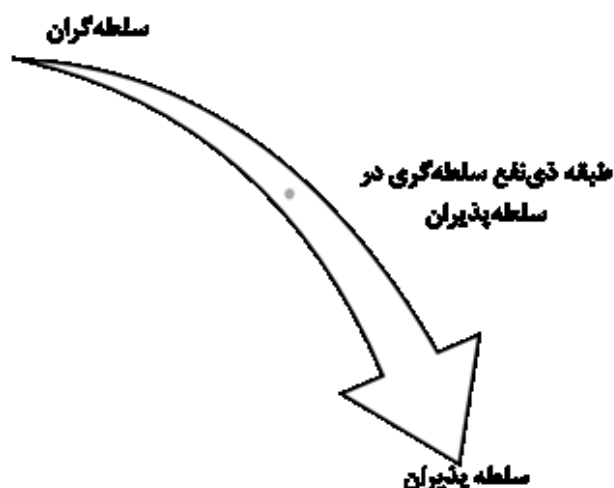


چیستی نفوذ؟

نظام سلطه راهبردهای کلانی برای خود دارد که هدف کسب قدرت را بسته به اهداف مقطعی و موضوعی تأمین می‌کند، مثلاً یک ضلع ناظر به فرهنگ است که هدفش تسخیر قلب و ذهن عموم مردم به‌ویژه جوانان است، رهبر انقلاب با عباراتی نظیر تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم به‌مثابهٔ تسخیر مغزها و قلب‌ها از آن یاد کردند. بعد از ناکامی فتنه ۸۸ نسخه‌ای دیگر با ماهیت چندلایه، چندحوزه‌ای و با هدف مشخص تغییر محاسبات نخبگان و مسئولین و استحالهٔ ماهیت انقلاب سازمان یافت.



در این چارچوب، نفوذ، ارتباط‌گیری مستقیم یا تأثیرگذاری غیرمستقیم دشمن بر تشخیص (فهم از مسائل)، تصمیم (راه‌حل برای مسائل) و اقدام (مواجههٔ عملی) در جهت برهم خوردن منافع کشور هدف و تأمین منافع سلطه‌گران به دست خود کشورهاست. گرچه نفوذ به مردم نیز امکان‌پذیر است اما اکثراً ماهیت نخبگانی-مسئولین دارد. درنهایت، هدف نفوذ شکل دادن بدنهٔ ذی‌نفع در نخبگان و مسئولین است که در چارچوب خواست دشمن، مسائل را فهم کرده، تصمیم گرفته و اقدام کنند و حفظ رابطهٔ سلطه‌گرسلطه‌پذیر برای آنان موضوعیت و حتی مطلوبیت و نفع داشته باشد. این مجموعه افراد یا ساده‌اندیش، خام و بی‌بصیرت هستند یا افرادی که به جبههٔ دشمن پیوسته یا ارزش‌ها و بینش‌های او را پذیرفته‌اند؛ توانایی اعمال سلطه وابسته به شکل‌گیری این طبقه و توانایی اقدام آن است.



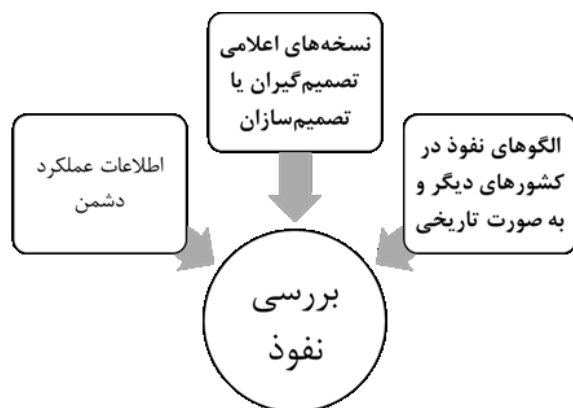
این الگو از جانب استعمارگران از دوران استعمار سنتی وجود داشت، اما در دورهٔ استعمار نو و فرانو تغییر صورت داده و امروز با شکست پروژهٔ قطع رابطهٔ مردم با انقلاب، ضمن امکان ایجاد تغییر محاسبات مردم و مسئولین که در سال ۹۲ تجربه شد و در قالب تحمیل بدترین توافق ممکن در قالب برجام کارکرد خود را نشان داد، محوریت یافته است. هدف نهایی این پروژه، تغییر محاسبات نخبگان و مسئولین جهت استحالهٔ نظام اسلامی و عقب‌نشینی نهایی آن از شعارها و آرمان‌های اصلی انقلاب است که با تداوم فشار اقتصادی و تلاش برای تسخیر قلب و ذهن مردم در قالب تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، زمینه را برای فروپاشی جمهوری اسلامی مهیا می‌کند.

راه‌های مطالعه نفوذ

یک‌راه مطالعهٔ نفوذ، بررسی اطلاعات پشت‌صحنهٔ دشمن و تحلیل مبتنی بر داده‌های امنیتی است که اولاً نیازمند به کدهای امنیتی سخت به دست می‌آید و هم آسیب‌های مترتب بر **کدمحوری** نظیر عدم راستی‌آزمایی، انفعال و امکان بازی خوردن را با خود دارد که البته بیشتر معطوف به یافتن افراد نفوذی است.

راه دیگر، مطالعهٔ نسخه‌های اعلامی سیاست‌مداران یا تصمیم‌سازان، اندیشکده‌ها، جریانات داخلی مدافع سلطه‌گران و مانند آن است که مستلزم بررسی دقیق پرونده‌های اصلی و کلان و همچنین یافتن راهبردهای عملیاتی و تاکتیک‌ها از طریق مواضع و گزارش‌هاست که می‌توان آن را بر تمرکز بر یک سری موارد اولویت‌دارتر نیز پیگیری کرد.

یک‌راه هم بررسی سابقهٔ عملکرد، سلطه‌گران برای نفوذ به کشور ما یا سایر کشورهاست که به‌جز راهبردهای کنارگذاشته‌شده اکثر آن‌ها کماکان کاربرد دارند. این پژوهش اکثراً از این شیوه سود برده اما از بعضی گزارش‌ها و مواضع اولویت‌دارتر سلطه‌گران برای تبیین نفوذ نیز بهره می‌برد.



ابعاد نفوذ

نفوذ یک بسته کامل سیاسی، اقتصادی و علم و فناوری، فرهنگی-اجتماعی است که هر بخش آن هم به صورت چندلایه و هم با اثرگذاری بر ابعاد دیگر عمل می کند و ماهیتی جدا ندارد، اما می توان ابعاد اصلی و مهم آن را جدا مطالعه کرد.

الف - اقتصاد

هدف: تضعیف و وابسته کردن کشور به اقتصاد جهانی و تنظیم رفتار مسئولین و مردم.

آماج: بدنه ذی نفع وابستگی اقتصادی به غرب. نظیر واردکننده ها و خام فروشان (که یک کانون خاص دارند و از زبان و به جای بخش خصوصی و تولیدکنندگان حرف می زنند)، مجموعه های مشاور و واسط برای شرکت های خارجی و برندهای بزرگ به عنوان دلال، واسطه، مشاور حقوقی، لابی گر و... (چنان که لابی گران غول های نفتی در دهه ۷۰، حامیان فتنه در دهه ۸۰ و لابی تسلیم سیاسی در دهه ۹۰ شدند) و مسئولینی که وابستگی اقتصادی به غرب موجب تحکیم جایگاه و تصویر مثبت از آن ها در افکار عمومی و نتیجتاً بقایشان در قدرت می شود.

راهبردهای عملیاتی:

در اختیار گرفتن زنجیره پولی و مالی، انرژی و توزیع کالا

اول: بازار سرمایه و شرکت های چندملیتی

با سرمایه گذاری خارجی، بانک خارجی و حضور شرکت های خارجی در بورس و حضور مستقیم شرکت های خارجی، زنجیره های پولی و مالی را در دست می گیرند، مثلاً سوروس که ما بیشتر او را با انقلاب رنگی ناموفق در کشور ما و لبنان و موفق در کثیری از کشورها مثل صربستان، گرجستان، قرقیزستان و اوکراین می شناسیم، اقتصادهای آسیای جنوب شرقی را با بیرون کشیدن سرمایه های خود به همراه چند سرمایه دار دیگر، در ۱۹۹۷ (۱۳۷۶ شمسی) زمین زد. اندونزی، مالزی، کره جنوبی، تایلند و ... دچار بحران شدید، اجبار به فروش سهام کارخانه ها به ثمن بخش به خارجیان) مثل Daewoo و گرفتار فقر گسترده شدند. سرمایه های خارجی، آن هم در شرایطی که ضوابط و نظارت دقیق وجود ندارد (مثل کشور ما) گریزپا هستند و به دنبال سودهای کوتاه مدت و تضمین شده هستند. قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی کشور ما با نگاه بسیط، ساده اندیشانه و بدون در نظر گرفتن شرایط لازم برای پیشرفت کشور همه گونه راه را برای این چارچوب مهیا کرده است.

دوم: آمدن شرکت های بزرگ با محوریت شرکت های توزیع کننده

هایپرمارکت ها و شرکت های بزرگ توزیعی به ویژه غذایی مثل Starbucks, Burger King, McDonald و... با حضور خود اقداماتی چندلایه انجام می دهند. رقبای داخلی و بنگاه های خرد اقتصادی را ورشکست می کنند، چراکه به علت مقیاس بالا، هزینه تمام شده کاهش یافته و از سوی دیگر از مزیت برند و مشهور بودن بهره می برند، به علت بازار گسترده، شبکه توزیع را درست گرفته و اکثر تولیدکنندگان یا واردکنندگان به آن ها وابسته می شوند، مثلاً بازار تضمین شده ای مثل مک دونالد برای انبوهی از تولیدکنندگان سبزیجات، گوشت و... سودآوری دارد، لذا اولویت را فروش به آن می دانند و لذا شکنندگی ایجاد می شود (مثل نمونه بالا رفتن قیمت مرغ به خاطر فشار وارد کردن یک واردکننده از طریق نگه داشتن گنجاله مرغ روی آب که اثر تحریم را در همه خانواده های ایرانی آن هم در ماه رمضان ملموس کرد)، به ترویج ارزش های غربی و بعضاً سامان دادن شبکه هایی برای ناآرام کردن کشورها می پردازند مثل تجربه مک دونالد و کوکاکولا در شوروی (که با حضور آن ها و صف های کیلومتری مردم مقابلشان فرهنگ غربی وارد شوروی شد) یا براندازی دولت انقلابی و ملی گرای سالوادور آلنده در شیلی به وسیله شرکت ITT که به مقابله

با سیاست‌های آلوده و بسیج معارضان سرمایه‌سالار و غرب‌گرای او پرداخت و در نهایت در ۱۹۷۳ به کودتا علیه آلوده انجامید) یا براندازی دولت انقلابی و ملی‌گرای آربنز در گواتمالا به وسیله شرکت **United Fruit** یا هدایت براندازی مصدق به وسیله **BP** (**British Petroleum**) یا نقش آفرینی **ROYAL DUTCH SHELL** در تهاجم فرهنگی به ایران در دهه ۷۰ نظیر اقدامات در روستاهای جنوب کشور که به واکنش نمایندگان مجلس هفتم هم انجامید. این اقدامات با اسامی نظیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها سامان می‌یابد.

سوم: شرکت‌های چندملیتی و بازار انرژی

ضلع سوم حیاتی برای کشور بازار انرژی است که با محوریت نفت، گاز و منابع آبی صورت می‌گیرد. شرکت‌های چندملیتی بزرگ با در اختیار گرفتن اکتشاف، تولید یا فروش کشورهای ضعیف، علاوه بر نصیب کردن سود سرشار، زمینه فشار بر آن کشور را فراهم می‌کنند مثل فشار وارد کردن **BP** بر دولت مصدق. این فشار از طریق اخلاف در فرآیند کار یا جلوگیری از خودکفایی در این عرصه‌ها صورت می‌گیرد. قراردادهای جدید نفتی موسوم به **IPC** با دوره بالای ۲۵ ساله از تولید تا توزیع، همکاری طولانی‌مدت در طول مدت اجرای پروژه، فقدان توان و سازوکار دقیق برای ضوابط چنین زمینه‌هایی را ایجاد می‌کند.

به هم ریختن اقتصاد جمهوری اسلامی و گره زدن آن به اقتصاد جهانی و شرکت در تقسیم کار جهانی

این اقدام به صورت عمده از طریق مختل کردن نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با اجرای نسخه‌های نهادهای بین‌المللی صورت می‌گیرد. نسخه‌هایی که راه‌حلهایی را ارائه می‌دهد که کشورهای ثروتمند و سلطه‌گر، از طی طریق غیر یا عکس آن به پیشرفت و قدرت رسیده‌اند و در حقیقت نردبانی که خود برای پیشرفت از آن بالا رفته‌اند را وارونه می‌کند. نهادها و معاهدات مختلفی در این چارچوب عمل می‌کنند **IMF**، (صندوق بین‌المللی پول) و **World Bank** (بانک جهانی) کشور را مجبور به اصلاحاتی نظیر خصوصی‌سازی افسارگسیخته، کاستن نقش سیاست‌گذارانه دولت در اقتصاد و عدم تقویت تولید ملی می‌کنند **WTO** (سازمان تجارت جهانی) پایین آوردن تعرفه و قطع یارانه و حمایت از تولید را خواهان می‌شود. در مجموعه معاهداتی که برای عضویت در این باید یکجا پذیرفته شود دو مورد مشت نمونه خروار است **TRIPS**: حقوق مالکیت معنوی در عرصه تجاری **Trade Related Intellectual Property Rights** مستوجب اجرای مالکیت فکری و صنعتی است که در پی آن باید پروانه‌های ثبت شده برای کلیت یا تک‌تک محصولاتی که می‌خواهیم تولید کنیم را بپردازیم. اجازه تولید موازی یا خرید نسخه‌های کپی شده را نداریم. این اتفاق موجب می‌شود، کشور همیشه دنباله‌رو باشد و هزینه‌های گزاف بپردازد، مثلاً برای تولید یک ماشین اصلاح نه تنها باید پروانه اصل آن را پرداخت که باید پروانه‌های خرد دیگر نظیر دکمه را هم پرداخت. آفریقای جنوبی به خاطر خرید داروی هندی ارزان ساخته شده از روی داروی آمریکایی ایدز (باقیمت سالانه ۱۲۰۰۰ دلار) از سوی ۴۱ شرکت داروسازی غربی مورد شکایت قرار گرفت و هزاران نفر مورد خطر جانی واقع شدند. پذیرش مالکیت معنوی موجب می‌شود از نشر کتب به صورت ترجمه‌ای، افسست و... بازمانیم. نرم‌افزارهایی که الآن در حد رایگان هزینه دارند مانند ویندوز ۱۰ باید بین ۱۱۰ تا ۸۰۰ دلار خریداری شود. طبق معاهده **TRIMS** تمهیدات سرمایه‌گذاری در عرصه‌های تجاری **Trade Related Investment Measures** باید موانع حضور سرمایه خارجی و ضوابط مدیریت‌کننده و هدایت‌کننده آن را برداشت. نهادهایی مثل سازمان جهانی غذا (**FAO**) نسخه‌هایی غلط مثل طرح نکاشت را از طریق کارمندان‌شان که بعضاً مقامات سابق عالی‌رتبه کشور در حد وزیر کشاورزی بودند در کشور ما گسترش دادند و **UNDP** نسخه‌هایی مثل تولید سوخت گیاهی را برای کشور ما که دچار بحران آب و به تبع آن محصولات غذایی است، توصیه کرد. هدف نهایی باز شدن راه واردات و خام‌فروشی و خودداری کشور از تولید مستقل ملی است و اساساً محیط‌زیست یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نفوذ دشمن است که حتی آلازمه‌هایی از داخل نظیر آمادگی برای مذاکره در مورد آن و همکاری منطقه‌ای با الگوی برجام به خارج صادر شده است. نتیجه این موارد سیطره دادن به خام‌فروشی و واردات محوری به‌ویژه از اروپای غربی و آمریکا و خام‌فروشی بر اقتصاد جهت وابستگی دائم اقتصاد به نظام سلطه است.

هدف: جلوگیری از رشد علم و فناوری و وابسته کردن کشور به غرب از این طریق

آماج: نخبگان به‌ویژه جوانان (ارتباط‌گیری با آن‌ها و شبکه‌سازی‌شان) و مسئولین علم و فناوری کشور.

راهبردهای عملیاتی:

دیپلماسی علم و فناوری:

یکی از محوری‌ترین راهبردهای نفوذ است که هم در گذشته در مورد دیگران و هم امروز در مورد ما محوریت دوچندان یافته است، چند محور اصلی برای آن قابل‌ردیابی است:

اول، کارآفرینی:

با توجه به وجود نسل جوان گسترده در کشورهای اسلامی، جهان سوم و مشخصاً کشور ما و وجود مشکلات اقتصادی عمده که مسئله اشتغال‌یابی را به محوری جدی تبدیل می‌کند. این محور مورد توجه جدی است، اوپاما نیز در سخنرانی خود به این که مرگ بر آمریکا برای ایرانی‌ها اشتغال ایجاد نمی‌کند اشاره کرد. این چارچوب در قالب‌های مختلف و عمدتاً با محوریت فضای مجازی از طریق بعضی مؤسسات واسطه ایرانی پیگیری می‌شود که کار ارتباط با جوانان نخبه و ساماندهی آنان را تحت این عنوان پیگیری می‌کنند. یک نمونه این خروجی‌ها **Startup Weekend** ها هستند که با محوریت شرکت‌های خارجی نظیر **Google** و بعدها **Cocacola** و **Microsoft** حامی چنین حرکت‌هایی هستند. مجموعه‌هایی حامی تحت عنوان شتاب‌دهنده نیز به ثمر رساندن این ایده‌ها را پیگیری می‌کنند. پرسروصداترین واقعه در این مورد اجلاس «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌ها برای کارآفرینی فناوری برتر در ایران» با عنوان **Bridge ۲۰۱۴** در دانشگاه برکلی کالیفرنیا بود که در ۶ سپتامبر برگزار شد و خیل کثیری از مجموعه‌های ایرانی با مجموعه‌های آمریکایی و از جمله گوگل و فیس‌بوک ارتباط برقرار کردند. آژانس توسعه بین‌الملل ایالات متحده **USAID** نیز صندوق توسعه ملی برای حمایت از کارآفرینان را دارد که در کشورهای دیگر مستقیماً ارتباط‌گیری و عمل می‌کند. محور جدی این حوزه از طریق فضای مجازی صورت می‌گیرد.

دوم، ارتباطات و همکاری‌های دانشگاهی و پژوهشی:

این ارتباطات هم زمینه یافتن نیروهای همراه و شبکه‌سازی آن‌ها را دنبال می‌کند، هم زمینه حساسیت‌زدایی از حضور آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و سایر مجموعه‌های غربی را در کشور ایجاد کرده و هم فرصت تأثیرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را فراهم می‌کند. در کوبا، بعد از ارتباط بعضی پزشکان و متخصصین با متخصصین مطرح آمریکایی نظیر سایین، تفاهم‌نامه بین مؤسسه اسمیتسونیان آمریکا و آکادمی علوم کوبا با محوریت تحقیقات زیست‌پزشکی، سپس آکادمی علوم کوبا با انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم (AAAS) امضا شد. آکادمی کوبا و آکادمی علوم ایالات متحده هم این همکاری را تداوم و به حوزه‌های مختلف مانند پیشگیری از نشت نفت، زلزله، محیط‌زیست، سلامت، تغییرات آب و هوایی، غذا، امنیت فضای مجازی، مقابله با حوادث طبیعی و علوم اجتماعی تسری دادند. زمینه ارتباط ایالات متحده با کوبا را بعد از قریب به نیم‌قرن چالش فراهم آوردند که در حاشیه عقب‌نشینی‌های ایران به‌عنوان محور مقاومت در سیاست خارجی و هسته‌ای به ایجاد رابطه بین آمریکا و کوبا انجامید. یا در مورد جین و ویتنام شمالی، آمریکا از مسافران آپولو به مدت دو ماه برای مسافرت و ارتباط‌گیری با کشورهای حاشیه‌ای بلوک شرق نظیر رومانی استفاده کرد و موازی آن از دیپلماسی ورزشی حول بازی پینگ‌پنگ بهره برد و با نفوذ در چین، زمینه تغییرات در حزب کمونیست و وارد کردن چین در سرمایه‌داری جهانی را فراهم ساخت. مرکز دیپلماسی علم آمریکا محوری

است که نفوذهایی از این دست را در کشورها دنبال می‌کند، مثلاً همکاری با کره شمالی بر سر آتش‌فشان. اسرائیل برای جلوگیری از ورود مصر به مقابله با او سال‌هاست در حوزه کشاورزی، همکاری مشترک با مصری‌ها تعریف کرده است. مسیر مشخصی در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا امروز در ارتباطات دانشگاهی برای شکل دادن به دانشگاه‌های کشورهای ضعیف نگه‌داشته شده و ایجاد تغییر در کشورها پی گرفته شده است. مثلاً، دانشگاه‌های کرنل و M.I.T. قبل از کودتا در اندونزی علیه دولت مردمی و ملی‌گرای سوکارنو پژوهش‌های میدانی در اندونزی را تأمین مالی کردند و دانشکده‌های اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه جاکارتا پیوند برقرار کردند، پیوندی که زمینه مخالفت نخبگان با اقتصاد ملی‌گرا-جمع‌گرای دولت سوکارنو را فراهم کرد و بعد از کودتا اقتصاد بازار آزاد را در دوره سوکارنو در اندونزی حاکم کرد. در دهه ۴۰ از طریق بنیاد فورد، دانشگاه صنعتی آریامهر (صنعتی شهید مجید شریف واقفی ملقب به صنعتی شریف امروز) و بعدها دانشگاه صنعتی آریامهر (صنعتی اصفهان امروز) تحت نظارت MT موسسه فناوری ماساچوست و دانشگاه پهلوی (دانشگاه شیراز) تحت نظارت دانشگاه پنسیلوانیا و دانشگاه تهران تحت تأثیر تعداد زیادی از دانشگاه‌های آمریکایی سامان یافتند تا پروژه مدرنیزاسیون ایران را ذیل انقلاب سفید و اصل ۴ ترومن پیش ببرند، در این میان MT محوریت داشت. اصل ۴ ترومن برای توسعه جهان سوم و جلوگیری از پیوستن آن‌ها به بلوک شرق و کمونیسم طراحی شد. چهره‌هایی مثل والت روستو همکار CIA، مشاور امور امنیت ملی در دولت کندی و هماهنگ‌کننده سیاست خارجی در دولت جانسون و عضو فعال مؤسسه فناوری ماساچوست MT (Massachusetts Institute of Technology) بود، طرح رشدی تحت عنوان مانیفست غیرکمونیستی آماده کرد که محور سامان دادن دانشگاه‌ها و توسعه در جهان سوم شد، همین‌الآن شما در دانشکده علوم سیاسی حتی کشور ما درسی به عنوان نوسازی دارید یا در دانشکده‌های علوم اجتماعی درس جامعه‌شناسی توسعه که محورش تدریس همین بحث‌هاست MT. رفته‌ها قبل و بعد از انقلاب در کشور ما تغییرات بنیادینی ایجاد کردند، چهره‌هایی مثل هویدا (نخست‌وزیر بهایی به مدت ۱۳ سال)، حسنعلی منصور (ترور شده به وسیله فدائیان اسلام)، فرمانفرمایان در قبل از انقلاب و دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف و موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی معروف به نیاوران در مدرنیزاسیون و غربی کردن کشور بعد از انقلاب محوریت یافتند و اجرای نسخه‌های بانک و صندوق در دهه ۷۰ و ۹۰ شمسی که به هم ریختن اقتصاد کشور انجامید با محوریت نهادهای پیش‌گفته پیش رفت. جالب است همین مجموعه علاوه بر تربیت نسلی از برنامه‌ریزان غرب‌زده، یکی از سه شتاب‌دهنده اصلی Startupها را سامان داده است. موج دیگری از تغییرات در کشور ما با ارسال حدود ۲۵۰۰ نفر از نخبگان در سال‌های آخر دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰، به غرب برای تحصیل رقم خورد که جریاناتی نظیر اصلاح طلبان حاصل همین حرکت بودند. علاوه بر الگوهای سابق بسیاری از افراد به دنبال برقراری رابطه ایران و آمریکا بر اهمیت این بخش از استراتژی تأکید ورزیده‌اند، مثلاً موسویان سخنگوی اولین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای (روحانی-ظریف) که بعد از محاکمه با اتهام دادن اطلاعات به بیگانگان به خارج از کشور رفته هم در کتابش و هم در سخنرانی‌های زیادی محور ایجاد ارتباط بین ایران و آمریکا را ارتباطات مدنی و از جمله دانشگاهی خوانده است. لابی آمریکا برای نفوذ در ایران که به شورای ملی ایرانیان آمریکا موسوم به NAIAC (National Iranian American Council) خوانده می‌شود از نقش آفرینان این روزهای سازش ایران و آمریکاست، دو سال پیش در گزارشی جنجالی به قلم بیژن خواجه‌پور (متهم فتنه ۸۸)، تریتا پارسی (رییس مجموعه) و رضا مرعشی (از دلالان سابق نفتی) تحت عنوان «دست‌های دراز-مشت‌های باز: جهت‌دهی مجدد چشم‌انداز ایران فراتر از توافق هسته‌ای» به راهبردهایی برای به حاشیه راندن گفتمان مقاومت (در ادبیات آن‌ها افراط) و نزدیک شدن ایران و آمریکا اشاره می‌کند که محورهای اصلی آن چنین است: نشست‌های علمی میان ایران و اروپا-آمریکا (ضمن تأکید بر بزرگداشت دانشمندان باستان ایران مثل عمر خیام و بوعلی سینا برای کاهش میزان بروز شک در تهران)، انرژی پاک، فرستادن رئیس کمیته علمی کنگره به تهران، بازدید روسای دانشگاه‌های مهم آمریکا از تهران، تسهیل بورس کردن دانشجویان ایرانی در آمریکا، طرح‌های زیست‌محیطی در دریاچه ارومیه و آلودگی هوا در ایران. در همین چارچوب و حتی پیش از دولت یازدهم انبوهی از اقدامات از طرف آمریکا ناظر به ایران برنامه‌ریزی و اجرا شد، به صورت نمونه: برگزاری ۱۷ کارگاه در طول دهه گذشته به وسیله AAAS انجمن آمریکایی پیشرفت علوم و آوردن ۵ برنده

نوبل آمریکایی به ایران به عنوان پیش قراول همکاری، بردن محققان ایرانی به آمریکا و همکاری دانشمندان ایرانی و آمریکایی و مقامات بهداشت عمومی در جلوگیری از بیماری های منتقل شده از غذا، پیش بینی زمین لرزه و بهبود امداد رسانی، شهر پایدار و آکادمی ملی علوم (NAS) برای تعامل دانشمندان ایالات متحده و ایران در رشته های مهندسی، بهداشت و علوم در مسائل مختلف، از علم زلزله تا چالش های آموزش عالی را پیگیری کرده و در سال ۹۳ با همکاری دانشگاه های آریزونا، برکلی و آکادمی ملی علوم مهندسی آمریکا ضمن برگزاری همایش شهرهای پایدار با دانشگاه شریف برای اولین بار در تاریخ کشور، مرکز بین المللی پایداری و شهرهای پایدار را ذیل دانشکده عمران دانشگاه شریف شکل داده است. بین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز و کنسرسیومی متشکل از دانشگاه ایالتی جکسون، بنیاد بازار پزشکی جکسون و گروه توسعه بین المللی آکسفورد قرارداد همکاری منعقد شده است و موارد زیادی که اعلام نشده است.

فرستادگان علمی:

این طرح که در مورد جهان اسلام محوریت دیگری نیز تحت عنوان بانوان فناور دارد (که در سخنرانی اوباما در دانشگاه قاهره بعد بیداری اسلامی مطرح شد)، با محوریت دفتر مشاور علم وزارت خارجه آمریکا پی گرفته می شود. در دوره دولت یازدهم خیل کثیری از اساتید و مراکز دانشگاهی آمریکا در حال سفر، دیدار و انعقاد همکاری با دانشگاه های ایران شده اند، جنجالی ترین مورد آن دیدار هیئتی با رهبری آلن ای گودمن، رئیس و مدیر اجرایی موسسه آموزش بین المللی، متشکل از نمایندگان دانشگاه بال (Ball State University)، کالج پیترز (Pitzer College)، روتگرز (Rutgers)، دانشگاه نیوجرسی، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و دانشگاه واین [Wayne] و همچنین نمایندگان ارشد موسسه آموزش بین المللی با بسیاری از دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی رده بالای ایران از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شریف، دانشگاه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک (NI GEB)، موسسه تحقیقات ملی علوم و فناوری (IROST)، موسسه رویان، پژوهشگاه دانش های بنیادی (IPM)، دانشگاه زند و نمایندگان وزارت علوم بود. کن هول اند مدیر مرکز توسعه بین المللی دانشگاه ایالتی بال پس از بازگشت از این سفر که با بحث درباره بعضی عرصه های همکاری ممکن بین ایران و آمریکا نظیر مدیریت منابع آب، حوادث طبیعی مانند زمین لرزه، تغییرات آب و هوایی، امنیت غذایی، انرژی و توسعه شهری صورت گرفت، در سایت دانشگاه نوشت: «ما برای دیپلماسی مردم با مردم به ایران سفر کردیم. تحصیل، شیوه های مهم برای فراهم کردن زمینه گفتگوی آمریکا با ایران است». هم چنین آلن گودمن مدیر اجرایی موسسه آموزش بین المللی و رهبر این هیئت، نیز بعد از بازگشت از ایران گفت: «دیپلماسی آموزشی در صدر اقدامات برای گشایش باب گفت و گو بین دو کشور است که اغلب پیش از آنکه روابط دیپلماتیک به طور کامل احیا شود، صورت می گیرد. این قضیه ای است که درباره چین و ویتنام دنبال شد و این موسسه آموزش بین المللی چنین تلاش هایی را در سال های اخیر، در خصوص میانمار و کوبا انجام داده است و اکنون این طرح در مورد ایران آغاز شده است». در سال ۲۰۱۲ حدود ۱۲۰۰۰ دانشجوی پژوهشگر ایرانی در آمریکا فعال بوده اند و به گزارش کریستین ساینس مانیفور از سال تحصیلی ۹۴، ۵ آمریکایی، ۵ انگلیسی و یک کانادایی در رشته هایی نظیر ادبیات فارسی و ایران شناسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل و به عبارتی بورس شده اند.

بر هم ریختن نظام تصمیم گیری علم و فناوری:

این مسئله با توصیه مسائلی صورت می گیرد که منجر به ترک فناوری هایی که پیشرفت ایجاد می کند (رویکرد مأموریت گرا به فناوری) و تأکید به فناوری هایی است که صرفاً نیازهای روزمره را پاسخ می گوید (رویکرد نفوذگرا). در همین چارچوب است که مثلاً نیاز به انرژی هسته ای، فناوری موشکی، نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی و دفاعی به عنوان امور غیر ضروری انکار شده و هزینه - فایده های کوتاه مدت اقتصادی برجسته می شوند. حال آن که رشد دادن هر حوزه فناوری - صنعتی مستلزم حمایت دولتی و صبر بر ضرر در دوره های مشخص است. خروجی اش این است که کشورهایی که ضعیف نگه داشته شده اند، باید بر مزیت های نسبی خود

نظیر کشاورزی یا استخراج مواد خام تمرکز کنند و در تقسیم‌کار جهانی خام‌فروشی و واردات محوری را برگزینند. همین‌که مسئولین ما به جای تکیه بر توانمندسازی داخلی در انرژی که در کنار هوا فضا، مسکن و خودرو جزو صنایع پیشران به حساب می‌آید و با فعال شدنش اکثر صنایع ما فعال می‌شود، به دنبال قرارداد باغول‌های بزرگ خارجی هستند، نمونه‌ای از آن است و ابزار فشار بر تولید ملی و علم و فناوری مانیز هست.

ج- فرهنگی و اجتماعی

هدف: تغییر سبک زندگی و تسخیر قلب و مغز نخبگان

آماج: مدیریت فرهنگی، دانشجویان، نخبگان، هنرمندان، رسانه‌ای‌ها، سمن‌ها، ورزشکاران و ...

راهبردهای عملیاتی:

دیپلماسی فرهنگی و ارتباط‌گیری از طریق مجموعه‌های فرهنگی و هنری، ورزشی، سمن‌ها (NGO)

این مسئله در قالب‌های مختلف پیگیری می‌شود، محور آن ارتباط‌گیری و رفت و آمد نخبگان، دانشجویان، مجموعه‌های فرهنگی و هنری، ورزشی، سمن‌ها (NGO) و ... است. حساسیتی که رهبر انقلاب به اردوهای دانشجویی خارج از کشور دارند در همین چارچوب است. در پروژه نفوذ و براندازی شوروی، یک ضلع کار در قالب پروژه تبادل (Exchange) پیشرفت که حدود ۵۰ هزار نفر از اهالی شوروی با تأکید بر نخبگان، هنرمندان، دانشگاهیان به آمریکا آورده شده و تعداد زیادی آمریکایی نیز به شوروی رفتند که زمینه تغییر ذهنیت مردم شوروی را فراهم آورد. این پروژه از اواخر دوره جرج واکر بوش پسر در مورد ایران کلید خورد و دفتر امور ایرانیان راهبری آن را در وزارت خارجه آمریکا عهده‌دار شد. در پروژه چین بازی پینگ‌پنگ محور بود و در نهایت چوئن لای و نیکسون بعد از حساسیت‌زدایی در حاشیه بازی‌های مداوم پینگ‌پنگ که در چین و آمریکا برگزار می‌شد، باهم دست دادند. اتفاقاتی که در قالب تبادل، آموزش سمن‌ها، فعالان مدنی، رسانه‌ها، دانشجویان و ... شکل گرفته و مجموعه‌های عامل یا واسطی آن را دنبال می‌کنند.

فضای مجازی به عنوان قلب نفوذ فرهنگی

اهمیت روزافزون فضای مجازی بویژه شبکه‌های اجتماعی موجب شده تابخش عمده‌ای از این پروژه در همین قالب پیگیری شود. ارتباطات رمز شده محور این ارتباطات است که برای جمهوری اسلامی قابلیت رمزگشایی، نظارت یا محدودسازی راندارد، چنانکه بعد از صدها میلیارد تومان خرج برای ادعای ناممکن فیلترینگ هوشمند شبکه‌های رمز شده مثل [Telegram](#)، [Viber](#)، [WhatsApp](#) و ... چنین اتفاقی نیفتاد. اهمیت این حوزه به حدی است که این ارتباطات هیچوقت از تحریم‌های ایران متأثر نشد. او با مادر گزارش به کنگره بر وارد کردن **Android** به ایران تأکید کرد و مک‌کین رقیب او با ما از اینترنت چمدانی و پهبادی برای نفوذ در ایران سخن گفت.

به هم ریختن نظام برنامه‌ریزی و جابه‌جایی اولویت‌ها

بسیاری از نهادهای بین‌المللی یا مجموعه‌های وابسته به دولت‌های ثروتمند از طرق متعدد نظیر ضریب دادن در قالب جوایز بین‌المللی، ارتباطات با نهادهای تصمیم‌ساز، پروپاگاندا و پوشش‌های مردمی، معاهدات و ... اولویت‌های مسئولین را جابه‌جا کرده و نظام برنامه‌ریزی ما را مختلف می‌کنند. تجربه گذشته ما در بحث جمعیت یا اشتغال زنان چنین مسائلی را نشان می‌دهد. فشارها در حوزه حقوق بشر، اولویت‌های بزرگ و کوچک شده مثل هدایت نهادهایی مثل بهزیستی به تمرکز صرف روی مواردی مثل مهددا و رها کردن مجموعه وظایف دیگر حتی مطرح شدن مواردی مثل کودک‌یار یا روستامهد در همین چارچوب، بزرگ و

کوچک‌نمایی مسائل مثلاً آیدز مسئلهٔ چند هزار نفر از جمعیت ماست و باید به‌اندازهٔ خطر واقعی به آن پرداخته شود، اما حجم عظیمی از پروژه‌های ملی و بین‌المللی ضربی بیش از واقعیت به آن اختصاص داده که خروجی‌اش بی‌توجهی به سایر مسائل اصلی ماست، همه بخش‌هایی از آثار این رویکرد هستند. به‌صورت نمونه کنترل جمعیت تنها یک تصمیم غیرعقلانهٔ ملی نبود، صندوق بین‌المللی جمعیت سازمان ملل در ایران میلیون‌ها دلار کمک مالی برای آن اختصاص داده و به توزیع قرص‌های اسپرم‌کش و کاندوم مبادرت کرد و نهادهای ایران را برای این مهم به کار گرفت نظیر مجلس، مرکز آمار ایران، هلال‌احمر، وزارت بهداشت، کمیته امداد و NGO ها با اعطای جوایز به متخصصان داخلی و ارتباط با فضای رسانه‌ای، حتی کتب درسی. یونسف، یونسکو، بانک جهانی و سازمان‌بهداشت جهانی نیز صدها میلیون دلار برای این مسئله در ایران اختصاص دادند که آمار تفصیلی آن‌ها موجود است. ثبت و عدم ثبت رویدادهایی مثل راهپیمایی اربعین در یونسکو و محوریت دادن به مسائلی مثل آن برای مسئولین ما حتی آن‌هایی که لباس روحانیت به تن دارند و بر مقامات بالای کشور تکیه‌دارند، نمونهٔ این نفوذ و به هم ریختن نظام برنامه‌ریزی است.

معامله بر سر تغییر در فضای داخلی در مواردی مثل هسته‌ای و اقتصاد

تجربهٔ دههٔ ۷۰ و برگشتن سرمایه‌داران، برداشته شدن گزینش دانشگاه‌ها و تغییرات فرهنگی از بالا نشان می‌دهد که تعاملات خارجی در مواردی مثل هسته‌ای یا اقتصاد از طرف مقابل به تغییرات فرهنگی منوط می‌شود، این که طرف مقابل با قاطعیت از تغییر ایران در چند سال آینده سخن می‌گوید نمی‌توان با این مسائل بی‌ارتباط باشد، چنان‌که در دههٔ ۷۰ نهادهایی مثل صندوق بین‌المللی پول یا اتحادیهٔ اروپا تعاملات خود با ایران را به مواردی از این دست گره زدند.

د- سیاسی

هدف: حاکم کردن طبقه‌ای از نخبگان سیاسی موافق یا ذی‌نفع از رابطه با غرب و به دنبال تنش‌زدایی و تغییر در ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی

آماج: نخبگان و مسئولین غرب‌گرا و ساده‌اندیش از طریق فضای مجازی یا مجموعه‌هایی واسط مثل نایاک، (NED) موقوفه ملی برای دموکراسی که هدایت بسیاری اقدامات غیرمستقیم برای دخالت در کشورها عمدتاً از طریق گروه‌های مدنی پی‌گیری می‌کند)، توانا (موسسه‌ای که توانمندسازی معترضین ایرانی را عمدتاً از طریق اینترنتی پی‌گیری می‌کند) و...

راهبردهای علمياتی:

ارتباط‌گیری و تقویت غرب‌گرایان برای رسیدن به مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی

از یک طرف تلاش می‌شود تا با فشار و تخریب دستاوردهای مقاومت و از سمت دیگر مذاکرات خارجی به نیروهای غرب‌گرا ضریب داده شود و از سوی دیگر تلاش می‌شود تا نیروهای مردمی، انقلابی و معتقد به استقلال، عدالت و آزادی در انتخابات، رسانه‌ها، افکار عمومی و... با عناوینی مثل افراطی تخریب شوند. تجربهٔ شوروی با این محوریت بود که فشار و برهم ریختگی زندگی مردم تداوم داشت، از سویی جناح غرب‌گرا با محوریت گورباچف مدام به مذاکره و تنش‌زدایی می‌پرداختند و جناح‌های ارتدکس حزب کمونیست تخریب می‌شدند، گورباچف هم با شعار توسعهٔ سیاسی و اقتصادی درهای کشور را به روی رسانه‌ها و شرکت‌های چندملیتی مثل کوکاکولا و مک‌دونالد باز می‌کرد و مردم احساس تغییر می‌کردند، با پوک شدن شوروی از این طریق در لحظه‌ای حساس یلتسین کودتا کرد و شوروی فروپاشید. این تلاش‌ها در سراسر حدود ۱۰۰ دخالت آمریکا در کشورهای مختلف به‌ویژه در دورهٔ جنگ سرد تکرار شده است. رفت‌وآمد هیئت‌های خارجی به تهران و ارتباط با بعضی مخالفین و احزاب که نمونه‌هایی نظیر سفر هیئت پارلمان اروپا با محوریت ماریچه اسخاکه (که در ایران به خاطر بدحجابی جلوی مسئولین معروف شد اما در هلند و اروپا

محور اقدامات ضد ایرانی نظیر فشارهای حقوق بشری یا فشار برای آزادی اینترنت و رفع محدودیت از آن است)، سفر جک استرا و موارد متعدد دیگر که بسیاری از آن‌ها هم رسانه‌ای هست.

به‌کارگیری لابی ایرانی-آمریکایی برای نزدیک کردن آمریکا و ایران با محوریت نهادهایی مثل نایاک.

خارج کردن مردم از تصمیم‌گیری برای توسعه کشور یا تغییرات سیاسی با شعار ضرورت نخبه‌گرایی و فرستادن کارها به دست نخبگان. هم‌چنین اخته کردن دولت و سپردن مسئولیت‌های دولت به بخش‌هایی از نخبگان مثلاً اقتصاد به نهاد جمعی تجار، استقلال بانک مرکزی و ...

تخریب وجههٔ انقلابی جمهوری اسلامی در جهان، گسستن پیوند با جبههٔ مقاومت مثل انقلابیون مردم‌گرای آمریکای لاتین و گره زدن کشور به سرمایه‌داری بین‌الملل.

محدود کردن آزادی بیان به‌صورت سخت و برخورد امنیتی و قضایی یا نرم و از طریق مارپیچ سکوت حاصل فضای رسانه‌ای.

ه) برجام: نتیجه و دروازه نفوذ

در این بین برجام اهمیت دوچندان دارد. چراکه هم نتیجهٔ جنگ نرم دشمن برای تغییر محاسبات مردم و مسئولین و تلاش دشمن برای نفوذ در مسئولین و برهم زدن نظام تصمیم‌سازی ماست. البته الآن دیگر برجام جمع‌بندی نهادهای مختلف درون نظام است و باید عمل شود اما این به معنی ندیدن نحوهٔ اتخاذ این تصمیم و آثار فاجعه‌بار آن نیست؛ اما باید توجه کرد:

برجام سوراخ دعای دشمنان ما شده که برای فشار و پذیرش آن از جانب ما راه ایجاد کرده است که در حوزه‌های مختلف تداوم بیابد، نظیر حقوق بشر، مقاومت اسلامی و آنچه آنان تروریسم می‌نامند، دفاعی و موشکی که در خود برجام هم محدود شده است. علاوه بر آن طبق برجام تحریم‌ها و ساختمان اصلی تحریم‌ها که تحریم بانکی و انرژی است، تداوم یافته است، تنها صورتی از تحریم‌های بی‌اهمیت، آن هم به شرط دادن همهٔ برگ‌های برندهٔ ما و به‌صورت محدود، برگشت پذیر و تعلیق شده و در مورد آمریکا تنها اجرائیش متوقف شده و لغو یا حتی تعلیق نشده است. لذا ما را وارد مکانیسم ماشه کرده و در صورت تخطی ما از این پیمان نابرابر موجب ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ماست و حتی هر اعتراض ما نیز علیه ما محسوب می‌شود. برجام این نسخه را به مردم و مسئولین ما داده که راه اصلاح در خارج از کشور است، چیزی که پیام نوروزی اوباما و سخنرانی مرگ بر آمریکا برای ایرانی‌ها اشتغال ایجاد نمی‌کند، نمود یافت. برجام و تکرار الگوی آن برای تقویت طرفداران غرب در داخل کشور و به قول غربی‌ها تقویت میانه‌روها مقابل افراطی‌هاست و تلاش دارد تا از این طریق تغییر سیاسی و فرهنگی در کشور ایجاد کرده و ماهیت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را تغییر دهد. از سوی دیگر برجام وسیلهٔ تداوم فشار به علم و فناوری، صنعت و اقتصاد است و مواردی نظیر کالاهای دومنظوره (نظامی و غیرنظامی) و PMD زمینهٔ نفوذ و نظارت بر فضای علم و فناوری و صنعتی کشور را فراهم می‌کند. به ثمر نشستن تلاش‌های آمریکا در شورو از معاهدهٔ Salt ۱، ۱۹۷۰ برای محدود کردن مسابقهٔ تسلیحاتی شروع شد و با معاهدهٔ هلسینکی در ۱۹۷۵ ورود غربی‌ها را به شورو آزاد کرد. چیزی که در مورد لیبی با امضای خلع سلاح در ۲۰۰۳ رخ داد و با سلسله همکاری‌های علم و فناوری که از ۲۰۰۶ رخ داد زمینهٔ نفوذ، خلع سلاح کامل، همکاری با معارضان و درنهایت براندازی قذافی با استفاده از انگیزهٔ اعتراضی مردم را در قالب حملهٔ غرب و مشخصاً آمریکا و انگلیس به لیبی فراهم آورد.

و (حواشی نفوذ

نفوذ حواشی‌ای هم دارد که بدون این حواشی نفوذ به‌صورت کامل به ثمر نمی‌نشیند. اهم آن‌ها ۲ مورد است:

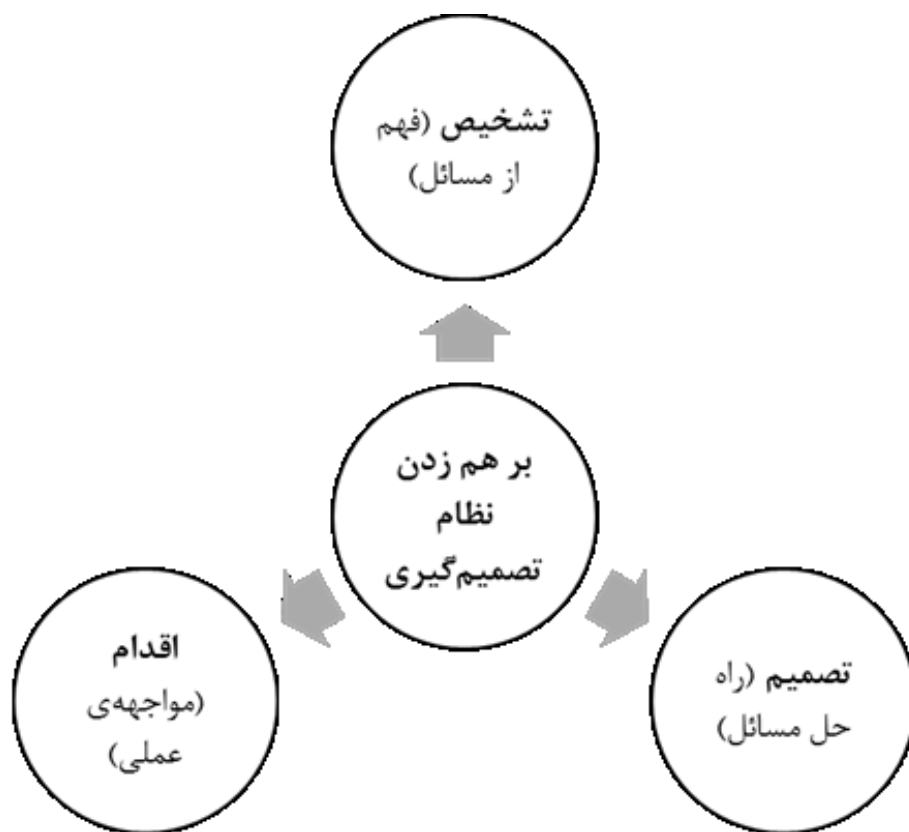
الف) تداوم فشار از طریق تحریم که در بخش برجام بخشی از آن را بازخوانی کردیم و ابهامات برجام، عدم رفع واقعی تحریم‌ها و بقای ساختار تحریم و هم‌چنین تحریم‌های جدید با استفاده از قطع‌نامه ۲۳۳۱ و برجام با محوریت کالاهای دومنظوره نمونهٔ آن

است. بزرگ‌ترین تجربه هم ماجرای عراق است که برجام عراق در ۱۹۹۱، منجر به یک دهه بازرسی، خلع سلاح کامل و سرانجام حمله به عراق در ۲۰۰۳ شد. تحریم‌های جدید و قدیمی با محوریت حقوق بشر، تروریسم و دفاعی نیز تداوم خواهد داشت.

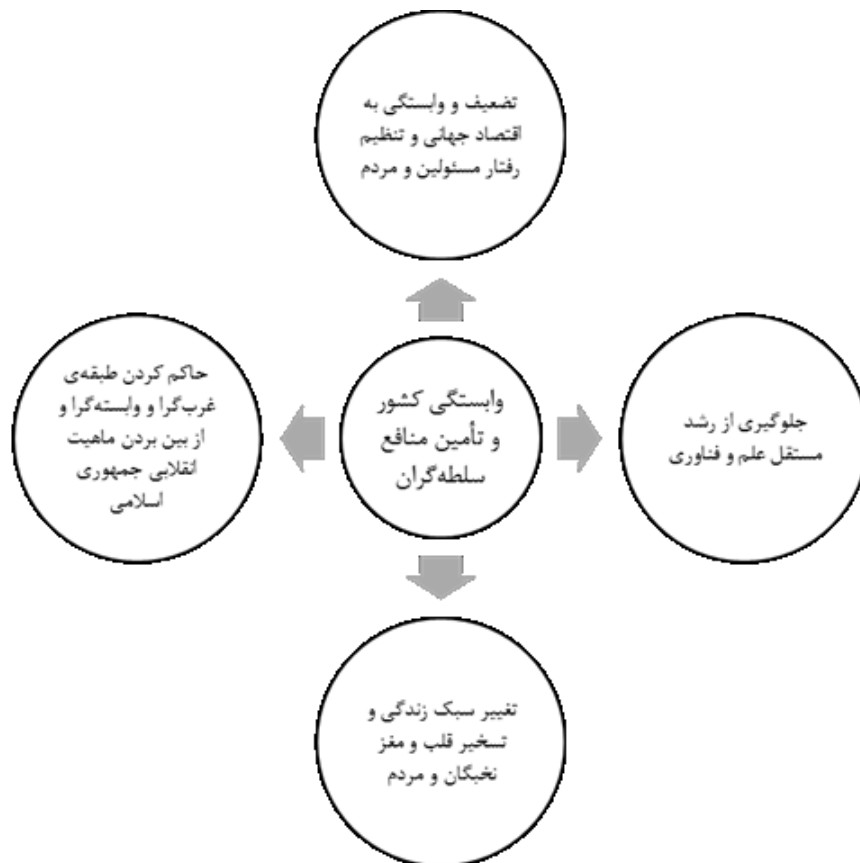
ب) تخریب انقلابیون، انقلابی‌گری و ایجاد دعوای مردم با مردم: تلاش خواهد شد تا نیروهای اصیل انقلاب تحت عناوینی نظیر افراطی تخریب شوند و بخش‌هایی از مردم به همین عنوان به جان هم بیفتند. مسائل حاشیه‌ای و فرعی طرح شود و دشمن‌شناسی کشور از مقابله با نظام سلطه به مقابله با افراط تغییر پیدا کند. یک ضلع جدی تخریب انقلابیون با محاکمه معکوس انقلابیون با شعارهای اصلی آن‌ها نظیر ولایت‌مداری، فسادستیزی و قانون‌گرایی صورت می‌گیرد. تضعیف نهادهایی که قدرت مقابله دارند نظیر مجلس، سپاه و... در همین چارچوب صورت می‌گیرد. یک ضلع مهم این مسئله نمایش این فضا برای مردم است که انقلابیون صرفاً دغدغه استقلال دارند و گذاشتن مردم بین دوگانه معیشت - استقلال است.

جمع‌بندی نفوذ

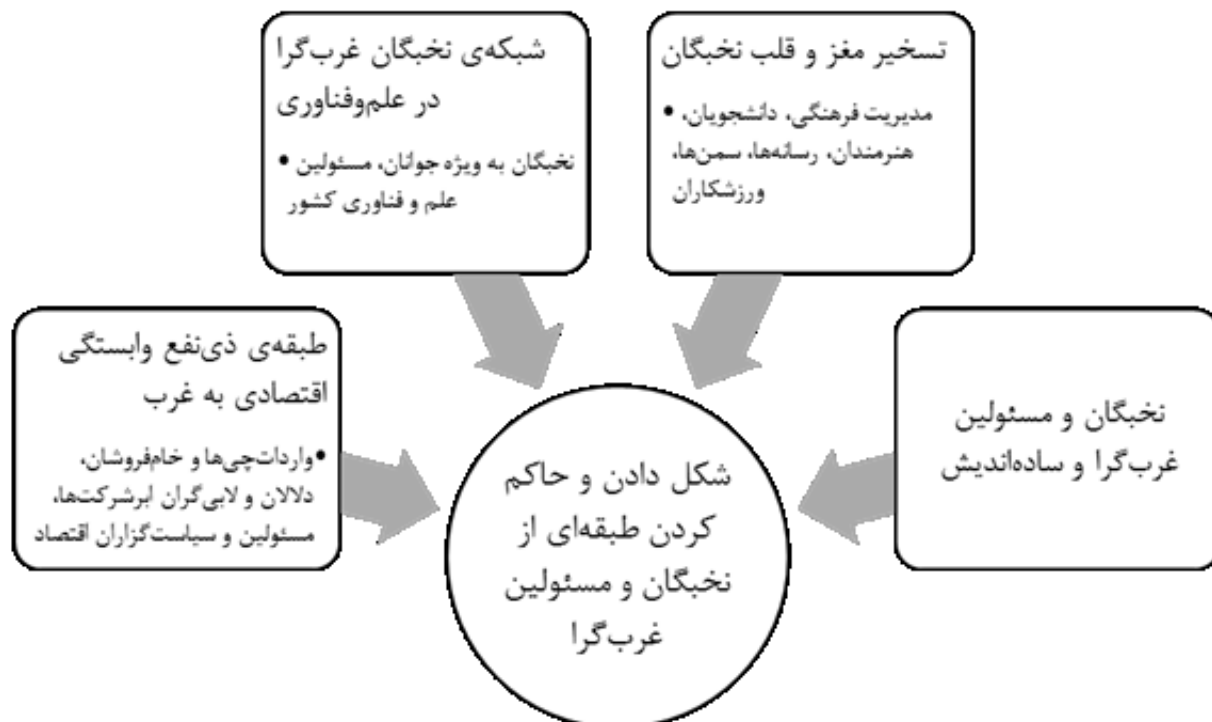
نفوذ ارتباط‌گیری مستقیم یا تأثیرگذاری غیرمستقیم دشمن بر تشخیص (فهم از مسائل)، تصمیم (راه‌حل برای مسائل) و اقدام (مواجهه عمل) نخبگان و مسئولین در جهت برهم خوردن منافع کشور و تأمین منافع سلطه‌گران است که از طریق شکل دادن به بدنه ذی‌نفعی در نخبگان و مسئولین که حفظ رابطه سلطه‌گر سلطه‌پذیر و وابستگی برای آنان موضوعیت دارد، است.



نفوذ پدیده‌ای چندبعدی است که قلب آن برجام و در لایه بعد اقتصاد و علم و فناوری است که از این طریق زمینه دخالت در فرهنگ و سیاست فراهم می‌آید. یک بسته کامل سیاسی، اقتصادی و علم و فناوری، فرهنگی-اجتماعی است که هر بخش آن هم به صورت چندلایه و هم با اثرگذاری بر ابعاد دیگر عمل می‌کند، مقصد اصلی نفوذ بر هم زدن نظام تصمیم‌سازی در جهت وابستگی کشور و تأمین منافع سلطه‌گران است که در حوزه‌های مختلف عمل می‌کند.

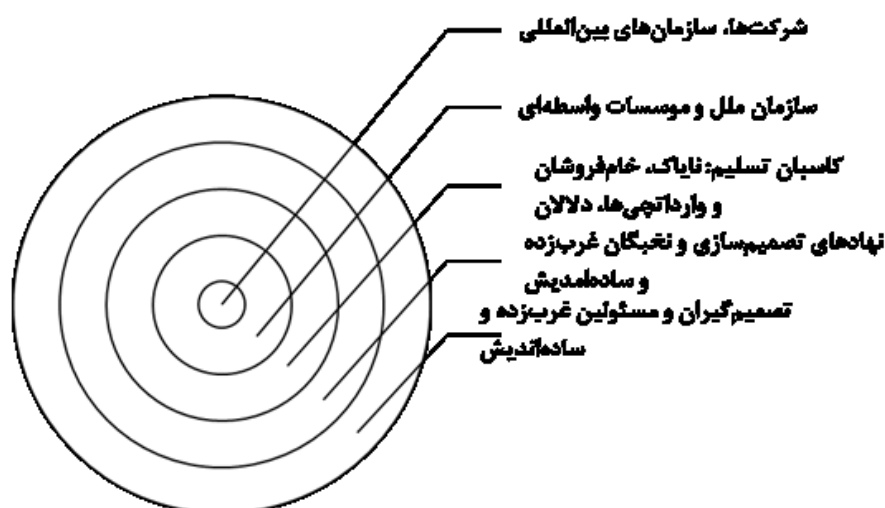


آماج نفوذ بر نخبگان و مسئولین و شکل دادن و حاکم کردن طبقه‌ای از غرب‌گرایان میان آن‌هاست. این تلاش برای تغییر محاسبات و تغییر رفتار نه تنها نیروهای غرب‌گرا که حتی نیروهای انقلاب را نیز هدف قرار داده و به نوعی عمل می‌کند که آن‌ها بر معیارهایی مخدوش و مخشوش عمل کنند، بعضی از رفتارها و تصمیمات خارج از چارچوب انقلابی و حتی در مقابل آن از جانب بعضی نخبگان، مسئولین و نهادهای انقلابی در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

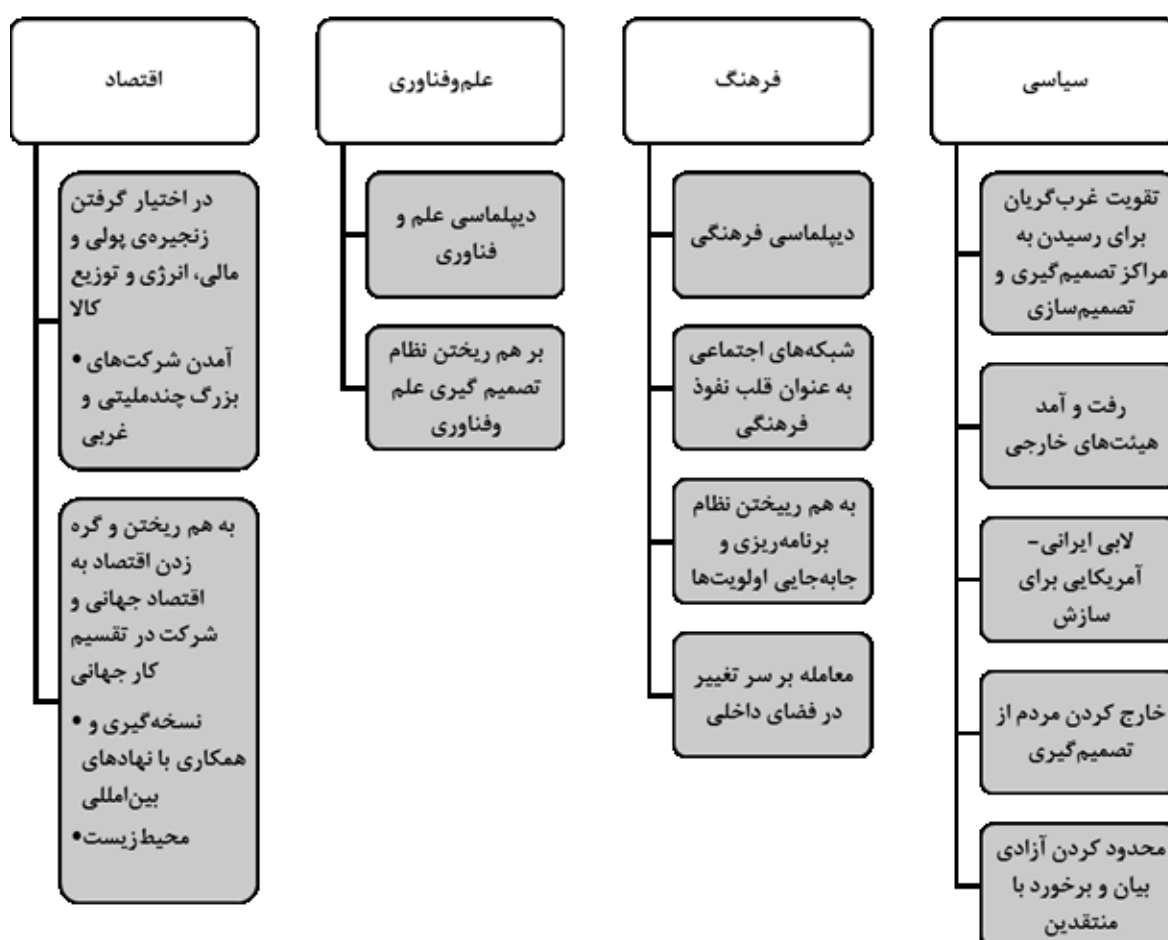


عناصر اصلی نفوذ بر این مبنا مؤسسات و نهادهای بین‌المللی، هم‌چنین مؤسسات واسطه‌ای وابسته به ابرقدرت‌ها، شرکت‌های چندملیتی و غربی هستند که از طریق بعضی لابی‌های ایرانی-آمریکایی به شکل‌دهی، هدایت و تقویت غرب‌گرایان در داخل کشور

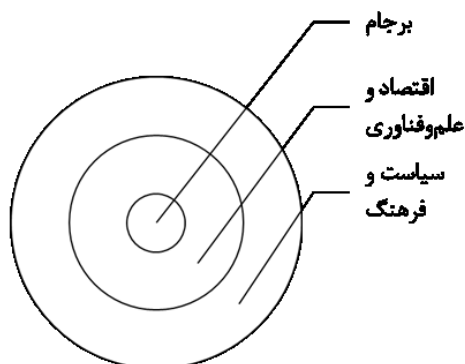
همت می‌گمارند و مستقیم و غیرمستقیم ذهنیت و خواست نخبگان و مسئولین را شکل می‌دهند. در هر حوزه‌ای که در کشور وارد می‌شویم، پیشگام این نفوذ و تغییر محاسبات مسئولین و اثرگذاری بر تشخیص، تصمیم و اقدام مسئولین نهادهای بین‌المللی هستند که عمدتاً از طریق سازمان ملل عمل کرده و با ارتباط‌گیری با مسئولین، فضا سازی، ارائهٔ نسخه و منوط کردن بعضی امتیازات و حقوق به انجام اصلاحات خواسته شده عمل می‌کنند.



بر این مبنا راهبردهای عملیاتی متفاوتی جهت تأمین منافع سلطه‌گران و از بین بردن امکان مقاومت و پیشرفت جمهوری اسلامی پی گرفته می‌شود:



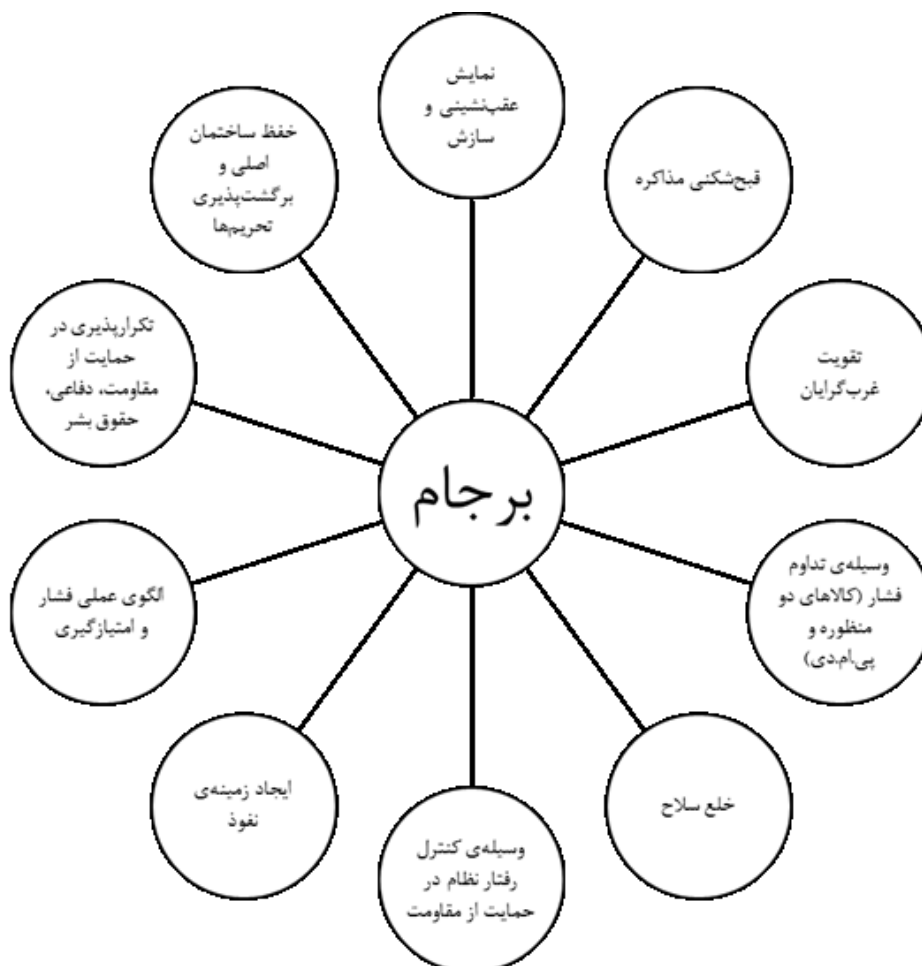
بر این مبنا برجام قلب نفوذ است، در لایه بعد در حوزه علم و فناوری و اقتصاد تلاش می‌شود، اما نتیجه نهایی در حوزه سیاست و فرهنگ گرفته می‌شود، چراکه توقف پیشرفت کشور و تأثیرگذاری مستقیم بر زندگی و معیشت مردم و محاسبات مسئولین در این حوزه‌ها محقق می‌شود.



برجام حاصل تغییر محاسبات مردم و مسئولین و تلاش دشمن برای نفوذ است که خود مقدمه نفوذهای دیگر جهت تغییر ماهیت انقلاب است.



در این چارچوب برجام به عنوان قلب نفوذ از چند منظر اهمیت و محوریت دارد:



راه‌های مقابله با نفوذ

مطالبهٔ اجرای ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی:

مهم‌ترین محوری که زمینه برای جنگ نرم و نفوذ دشمن در قالب برجام و پسابرجام فراهم شد، اقتصاد بود. محور اقتصاد مقاومتی جستجوی ضعف‌هایی در اقتصاد، صنعت، علم و فناوری و مدیریت کشور است که زمینهٔ برهم ریختگی یا دخالت سودجویان داخلی یا دشمنان خارجی را فراهم می‌کند. این مسئله دامنۀ وسیعی دارد که بسیاری از تعاملات بین‌المللی منوط به توانمندی داخلی، حمایت و انحصار در حوزه‌های مختلف علم و فناوری، خودداری از خام‌فروشی و واردات محوری، محوریت دادن به اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح نظام بانکی (به‌ویژه شرکت‌داری و دلالتی بانک‌ها و نقششان در تورم) و مالیاتی، خودکفایی در کالاهای استراتژیک کشاورزی و... است. به‌جای تکرار ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باید مواردی از این‌دست را مورد مطالبه و پیگیری چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای قرارداد.

رصد کردن و مطالبه در مورد تعامل درست با خارجی‌ها و مقابله با تعاملاتی که منجر به نفوذ و برهم ریختن

نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌شود:

بر این مبنا باید با حضور و تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی، به‌صورت موشکافانه و با توجه به عملکرد آن‌ها واقع‌بینانه که متضمن بدبینی و نقد نسخه‌ها و ارتباطات آنان است اقدام کرد. ارتباطات بدون اولویت، مشکوک، مضر برای کشور باید موردنقد قرار گیرد و در صورت خودداری مسئولین از ترتیب اثر دادن به این مطالبات باید مستقیماً هزینهٔ این ارتباطات را بالا برد. سوابق عملکرد این نهادها، افراد و کشورها در مورد ما و سایر مستضعفین دنیا باید بازخوانی شود.

عدالت‌خواهی در کنار استقلال‌خواهی:

تلاش جبههٔ معارض و رقیب جبههٔ انقلاب و کاسبان تسلیم بر دوگانه‌سازی بین استقلال و معیشت و تبلیغ عدم به فکر مردم بودن جبههٔ انقلاب است، راه درست مقابله با این مسئله مطالبهٔ عدالت اجتماعی و مسائل معیشتی مردم در کنار استقلال‌خواهی است، چه این‌که این دو عمیقاً به یکدیگر مرتبطاند و لازمهٔ نفوذ دشمن دامن زدن به نابرابری در کشور و تشکیل و تقویت افراد ذی‌نفع از حل شدن کشور در سرمایه‌داری بین‌المللی است. از سوی دیگر جبههٔ معارض و رقیب تلاش کرده تا در قالب محاکمهٔ معکوس شعارهایی نظیر مبارزه با فقر، فساد، تبعیض و اشرافیت را به جبههٔ انقلاب برگرداند و در موضع متهم قرار دهد.

شفافیت‌خواهی، آزادی‌خواهی و جمهوریت‌خواهی:

نفوذ وقتی می‌توان کارگر شود که مردم از وقایع اطلاع نداشته باشند، آزادی بیان محدود باشد و نقش مردم در عرصهٔ سیاست کشور کاسته شده و به نخبگان سپرده شود، راه مقابله با این فرایند مطالبهٔ شفافیت در مورد پنهان‌کاری‌ها، مطالبهٔ آزادی، اعتراض به تلاش‌ها برای محدود کردن اطلاع و آزادی چه در قالب سخت با برخورد‌های امنیتی و قضایی چه در قالب ماریپیچ سکوت نشریات است. هر کشوری که به سمت آمریکا و نظام سلطه حرکت کرده جز با محدود کردن اطلاع مردم، آزادی و نقش مردم در حکومت نرفته و امروز مهم‌ترین راهکار حفظ اسلامیت نظام و قلب آن که استقلال است، از همین طریق محقق می‌شود، چه این‌که رهبر انقلاب، استقلال را در چارچوب آزادی مطرح کرده و به معنای آزادی در مقیاس یک ملت خواندند. اولین و مهم‌ترین گام در مقابله با نفوذ، آگاه‌سازی مردم و ایجاد امکان نقش‌آفرینی آن‌ها در ادارهٔ کشور و مقابله با نفوذ است.

مطالبهٔ اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی در کشور و اعتراض به اولویت‌های فرعی یا نسخه‌های بین‌المللی.

اعتراض به تسری مذاکرات و مذاکرات بی‌حاصل مداوم با طرف‌های غربی در موضوعات مختلف.

مطالبه و ایستادن مقابل سوءاستفاده از برجام و رصد کردن نقض عهدها :

مثل بیانیه کاخ سفید، وزارت خزانه‌داری و جان کری در مورد رفع تحریم‌ها. یا ادعای بسته شدن PMD در آژانس که در حقیقت بردن پروندهٔ ایران با اذعان به پنهان‌کاری و حرکت به سمت بمب هسته‌ای است به سازمان ملل. مردم باید آگاه شوند که علی‌رغم از بین بردن صنعت و فناوری ما با برجام، نه تنها تحریم‌ها برداشته نمی‌شوند بلکه زمینهٔ خرابکاری و حملهٔ دشمن مثل عراق فراهم می‌شود.

بازخوانی سوابق نفوذ و تعامل نهادها و قدرت‌های بین‌المللی با ما و سایر مستضعفین و دادن تصویر واقعی از آمریکا، انگلیس و جنایات آنان به مردم.

رصد کردن اقدامات نهادهای بین‌المللی:

مشخصاً وابسته به سازمان ملل و نهادهای واسطه‌ای و سایر سازمان‌های بین‌المللی وابسته به انگلیس، آمریکا، هلند (که حمایت از بسیاری پروژه‌های اصلی نفوذ مثل لغو محدودیت اینترنت و پشتیبانی از نفوذی‌ها را همپای آمریکا و انگلیس برعهده گرفته است) و...

افشای منافع کاسبان تحریم:

اعم از وارداتچی‌ها، خام‌فروشان، دلالان شرکت‌های بزرگ، مسئولین و سیاستیون به دنبال تنش‌زدایی و... باید منافع این گروه و پلاهایی که برسرپیش از همه اقتصاد کشور و معیشت مردم با کارهای گذشته و حال اینان فراهم می‌شود، موردافشاگری و مقابله قرار گیرد.

